ذره‌بین

سرقت ۲میلیاردی مطرب معروف

[شهروند] مطرب سابقه‌دار با ۱۶سرقت به ارزش ۲۰میلیارد ریال دستگیر شد. پانزدهم مردادماه‌سال جاری پرونده‌ای مبنی بر سرقت طلا، پول نقد و اشیای قیمتی از خانه‌ای واقع در خیابان سی‌متری جی به ارزش ۵۰میلیون تومان راکلانتری۱۱۱ هفت‌چنار به این پایگاه ارجاع داد. در گام نخست تحقیقات کارآگاهان با مراجعه به محل وقوع سرقت موفق شدند تصاویر واضحی از سارق به دست بیاورند. در ادامه کارآگاهان با اقدامات ویژه پلیسی و تطبیق چهره سارق با متهمان و مجرمان سابقه‌دار توانستند هویت او را شناسایی کنند و مشخص شد سارق همان جمال مطرب معروف است و به تازگی از زندان آزاد شده است. جمال که سابقه انواع جرایم را در کارنامه خود دارد سال گذشته به علت سرقت از خانه دستگیر شده بود و در زندان تحمل کیفر می‌کرد. او بعد از پایان مدت محکومیت اواخر خردادماه از زندان آزاد شد ولی مجددا شروع به سرقت از خانه کرد. با مشخص شدن هویت متهم، دستگیری او در دستور کار کارآگاهان این پایگاه قرار گرفت و مخفیگاه جمال در حوالی خیابان ۱۶متری امیری شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه او در بیستم دی ماه دستگیر شد. جمال در ابتدای دستگیری به سرقت از خانه شاکی و ۱۴سرقت مشابه به ارزش ۲۰ میلیارد ریال اعتراف و گفت: «وقتی متوجه می‌شدم صاحبخانه در خانه نیست، از دیوار آن بالا می‌رفتم و اشیای باارزش مثل طلا، فرش، تلویزیون، لپ تاپ و ... را می‌دزدیدم و به دو تن از دوستانم به نام‌های محمود پنجاه‌وشش‌ساله و ابوالفضل چهل‌وهشت‌ساله می‌فروختم.» با مشخص شدن مالخر اموال سرقت شده در گام بعدی کارآگاهان هر دو مالخر را شناسایی و متعاقب آن در بیست‌وپنجم دی ماه آنها را دستگیر کردند. رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: «پس از انتقال مالخران به پایگاه هر دو متهم به خرید اموال سرقتی از جمال اعتراف کردند. هر سه متهم با دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه۱۰ تهران روانه زندان شدند.»

کلاهبرداری میلیاردی از تبعه چینی

[شهروند] متهمان با تأسیس دفتر صرافی غیر مجاز از یک تبعه چینی دوونیم میلیارد تومان کلاهبرداری کردند. هجدهم دی ماه‌سال جاری زنی بیست‌وپنج‌ساله تبعه کشور چین به کلانتری ۱۳۷ نصر مراجعه و اعلام کرد برای انتقال دوونیم میلیارد تومان به حساب پدرش در کشور چین به صرافی واقع در محدوده گیشا مراجعه کرده است و دو مرد حدودا چهل ساله عملیات بانکی را انجام دادند، ولی پس از گذشت چند روز متوجه شدم هیچ وجهی به حساب پدرم منتقل نشده است. مأموران کلانتری با انعکاس اظهارات شاکی به بازپرس شعبه نهم دادسرای ناحیه دوم تهران، پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان اداره چهاردهم قرار گرفت. شاکی پس از حضور در اداره چهاردهم اظهار داشت، من به‌عنوان بازرگان در ایران فعالیت دارم و برای انتقال دوونیم میلیارد تومان به حساب پدرم در کشور چین با مردی به نام سامان سی‌ونه‌ساله در فضای مجازی آشنا شدم که او اعلام داشت صراف است و می‌تواند این کار را برایم انجام دهد. به دفتر صرافی اعلامی از سوی سامان که در محدوده گیشا بود مراجعه کردم که دو نفر به نام‌های حامد سی‌وهشت‌ساله و سهراب چهل‌وپنج‌ساله که به نظرم کارمندان سامان بودند، وجوه را انتقال دادند. گفتند تا دو روز دیگر به حساب مورد نظر واریز می‌شود که پس از گذشت چند روز متوجه شدم هیچ پولی به حساب پدرم واریز نشده است و این افراد کلاهبردار بودند. کارآگاهان پس از شنیدن اظهارات شاکی راهی محل دفتر صرافی شدند که با انجام تحقیقات پلیسی مشخص شد دفتر فاقد مجوز از بانک مرکزی است. با انعکاس اطلاعات به دست آمده به بازپرس پرونده دستور دستگیری کلاهبرداران صادر شد و حامد و سهراب در بیست‌ونهم دی ماه در داخل صرافی دستگیر و به اداره چهاردهم منتقل شدند. متهمان در تحقیقات پلیسی گفتند: سامان کلاهبرداری را طراحی می‌کرد و دفتر صرافی را در محدوده گیشا اجاره کرده بود. همچنین سوژه‌ها را در فضای مجازی شناسایی می‌کرد. ما نیز نقش کارمندان او را بازی و پول مال‌باختگان را به حساب‌های مورد نظرمان واریز می‌کردیم.

۳۰نفر در لیست سیاه کلاهبرداری که خلافی صفر می‌کرد

متهم: یک روز با همکاران و دوستانم در محل کار نشسته بودیم و صحبت می‌کردیم. حرف خلافی خودرو شد. من گفتم اگر کسی آشنا داشته باشد، می‌تواند خلافی ماشین خود را صفر کند. گفتند تو آشنا داری. برای اینکه خودم را مطرح کنم، به دروغ گفتم بله آشنا دارم. گفتم کسی از دوستان نزدیکم در پلیس راهور است و می‌توانم به او بگویم که خلافی خودروام را صفر کند. ولی در واقع اصلا چنین چیزی نبود

[شهروند] «لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود.» داستان کلاهبرداری‌هایش را با این جمله شروع می‌کند. کُری‌خوانی در محل کارش پای او را به پرونده‌ای با ۳۰ شاکی باز کرد. مرتضی یک روز برای خودنمایی در بین همکارانش مدعی شد که در پلیس راهور آشنا دارد و می‌تواند خلافی‌های خودروها را صفر کند. همین حرف برایش دردسرساز شد و از او یک کلاهبردار حرفه‌ای ساخت. وقتی رئیسش از او خواست که خلافی خودرویش را صفر کند، مرتضی از جیب خودش خلافی ماشین رئیسش را پرداخت کرد. اما وقتی تعداد درخواست‌ها زیاد شد، مرتضی دیگر نتوانست کاری کند. با این حال به دروغگویی خود ادامه داد و از آدم‌های مختلفی که به او معرفی می‌شدند، پول‌های میلیونی گرفت تا خلافی‌های زیاد خودروها را صاف کند. از ۲۰۰هزار تومان گرفته تا ۶میلیون تومان؛ مرتضی براساس میزان خلافی خودروها از متقاضیان دستمزد می‌گرفت. اما کسی نبود که خلافی این خودروها را صفر کند. درگیری با یکی از شاکیان باعث شد که پای پلیس به این پرونده باز شود. درنهایت راز کلاهبرداری‌های این مهندس جوان فاش شد و او از سوی مأموران کلانتری ۱۵۰ تهرانسر، دستگیر شد. او که هنوز هم مدعی است، فقط به خاطر خودنمایی وارد این ماجرا شده، درباره جزئیات این کلاهبرداری به خبرنگار ما می‌گوید: «فروشنده مواد شوینده هستم. یک روز با همکاران و دوستانم در محل کار نشسته بودیم و صحبت می‌کردیم. حرف خلافی خودرو شد. من گفتم اگر کسی آشنا داشته باشد، می‌تواند خلافی خودرواش را صفر کند. گفتند تو آشنا داری. برای اینکه خودم را مطرح کنم، به دروغ گفتم بله آشنا دارم. گفتم کسی از دوستان نزدیکم در پلیس راهور است و می‌توانم به او بگویم که خلافی خودروام را صفر کند. ولی در واقع اصلا چنین چیزی نبود. فقط می‌خواستم خودنمایی کنم. همان زمان سرپرستم به سراغم آمد و گفت که خلافی خودرواش را صفر کنم. نمی‌دانستم باید چه کار کنم، برای همین قبول کردم. خودم رفتم و خلافی خودرواش را پرداخت کردم. از جیب خودم پول دادم. او هم وقتی دید خلافی صفر شده، به من اعتماد کرد و باورش شد که در پلیس راهور آشنا دارم. برای همین چند نفر دیگر را هم به من معرفی کرد.» مرتضی خلافی دو سه نفر دیگر را هم از جیب خودش پرداخت کرد، ولی متقاضیان بیشتر شدند. هر روز دو سه‌نفر به او معرفی می‌شد. همین مسأله باعث شد که مرتضی طَمَع کند و این‌بار از صاحبان خودرو دستمزد بگیرد: «مثلا یک خودرو بود که حدودا ۱۳میلیون تومان خلافی داشت. من ۶میلیون تومان پول از او گرفتم، برای اینکه خلافی‌اش را صفر کنم. از بقیه هم حدودا بین ۲۰۰ تا سه یا چهارمیلیون تومان می‌گرفتم. ولی کسی را نداشتم که خلافی خودروی آنها را صفر کند. نمی‌دانستم باید چه کار کنم. در راهی گیر افتاده بودم که هیچ برگشتی نداشت. مجبور بودم ادامه بدهم. البته این پول‌هایی هم که به‌عنوان دستمزد می‌گرفتم، برایم خوب می‌شد. کم‌کم وسوسه هم شدم، تا اینکه یک درگیری باعث دستگیری‌ام شد.»

یکی از متقاضیان وقتی دید خلافی خودرواش صفر نشده، با او درگیر شد. در این درگیری، پای پلیس هم به میان آمد. مأموران کلانتری وقتی به محل درگیری رسیدند، شاکی راز این کلاهبرداری را فاش کرد و مهندس خلافکار دستگیر شد: «من لیسانس برق دارم. در کارم موفق بودم. اصلا اهل خلاف نبودم. زن و بچه دارم و سَرَم در زندگی خودم بود. اما یک اشتباه باعث شد که زندگی‌ام نابود شود. قبل از اینکه دستگیر شوم، از کارم پشیمان شده بودم و خودروی پرایدم را فروختم تا پول مردم را پس بدهم، اما بازداشت شدم. حالا هم می‌توانم پول شاکیانم را پس بدهم.» در ادامه سرهنگ مالمیر، رئیس کلانتری ۱۵۰ تهرانسر هم با اشاره به اینکه شغل متهم بازاریاب بوده و با تعداد زیادی از متصدیان سوپرمارکت نیز در ارتباط است، گفت: «شناسایی سایر مالباختگان در دستور کار مأموران کلانتری قرار دارد. متهم برای اخذ دستور قضائی به مرجع قضائی معرفی شد.»

او از شهروندان خواست کسانی که در غرب پایتخت به این شیوه مالباخته شده‌اند، برای طرح شکایت و پیگیری پرونده‌شان می‌توانند به کلانتری۱۵۰ تهرانسر مراجعه کنند.

شهروند

ماجرای سرقت درپوش‌های فاضلاب در تهران

سارق: کار ضایعاتی می‌کردم. یک روز کسی که به او ضایعات می‌فروختم، به من پیشنهاد داد که درپوش‌های فلزی فاضلاب را سرقت کنم. قبول نکردم، ولی گفت برای هر سرقت ۱۰۰ تا ۲۰۰هزار تومان به من پول می‌دهد. من هم وسوسه شدم و قبول کردم

[شهروند] فیلم سرقتش در فضای مجازی دست به دست می‌شد؛ از طریق همان فیلم هم به دام افتاد. پسر جوانی که از نسخه‌پیچی در داروخانه به ضایعات‌فروشی و درنهایت سرقت درپوش‌های آب و فاضلاب شهری رسید. با مدرک فوق دیپلم الکتروتکنیک در داروخانه کار می‌کرد، اما از وقتی به دام اعتیاد گرفتار شد، مسیر زندگی‌اش تغییر کرد؛ شایان از کارش اخراج شد و برای تهیه مواد مخدر ضایعات می‌فروخت؛ تا اینکه خریدار ضایعات از او خواست درپوش‌های فاضلاب را سرقت کند و پول خوبی بگیرد. همین مسأله شایان را به یک دزد تبدیل کرد. با خودروی پرایدش در روز روشن به خیابان‌ها می‌رفت و درپوش‌ها را باز می‌کرد، آنها را می‌دزدید و به مالخرش می‌فروخت. با اینکه شماره پلاک خودرویش را دست‌کاری کرده بود، اما مأموران کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس او را شناسایی و دستگیر کردند. بعد از بازداشت این سارق، مالخرش نیز دستگیر و اکثر درپوش‌های دزدیده‌شده نیز کشف شد. شایان که حالا در حیاط پلیس پیشگیری پایتخت در میان متهمان ایستاده، درباره جزئیات دزدی‌های معروفش می‌گوید: «من در داروخانه کار می‌کردم، هیچ سابقه‌ای ندارم و اصلا اهل خلاف نبودم اما دوستان ناباب باعث شدند که من در دام اعتیاد گرفتار شوم. از وقتی معتاد شدم زندگی‌ام از این رو به آن رو شد؛ از کارم اخراج شدم و کار ضایعاتی می‌کردم. یک روز کسی که به او ضایعات می‌فروختم، به من پیشنهاد داد که درپوش‌های فلزی فاضلاب را سرقت کنم. قبول نکردم، ولی گفت برای هر سرقت حدودا ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان به من پول می‌دهد. من هم وسوسه شدم و قبول کردم.» شایان در تمام محله‌های تهران سرقت می‌کرد، اما بیشتر به شمال تهران مثل زعفرانیه پاسداران و نیاوران می‌رفت؛ چون آن محله‌ها خلوت‌تر هستند. با این حال همیشه هنگام سرقتش کاری می‌کرد تا کسی متوجه این سرقت شود. نمی‌خواست بعد از دزدی به کسی آسیبی برسد. اینها را خودش می‌گوید: «معمولا در طول روز و روشنایی به سرقت می‌رفتم. دلم می‌خواست وقتی درپوش‌ها را برمی‌داشتم کسی مرا ببیند، مرتب نگران بودم که کسی داخل چاه نیفتد. این مسأله برایم خیلی مهم بود. برای همین در روز روشن دزدی می‌کردم. حدودا سه ماه بود که این کار را شروع کرده بودم. روزی سه تا چهار درپوش سرقت می‌کردم و آن را به مالخر می‌فروختم. پول خوبی به دست می‌آوردم و زندگی‌ام هم بهتر شده بود. اصلا فکرش را هم نمی‌کردم که به این زودی دستگیر شوم.»

دوربین‌های مداربسته صحنه‌های یکی از سرقت‌های شایان را ضبط کرده بود. این فیلم در فضای مجازی دست به دست چرخید. با این حال وقتی پلیس مالک خودرو را شناسایی کرد، متوجه شد که این سارق شماره پلاک خودرواش را تغییر داده است: «هر بار که به سرقت می‌رفتم یکی از شماره‌های پلاک خودرویم را تغییر می‌دادم؛ مثلا عدد دو را به سه تبدیل می‌کردم که اگر کسی شماره پلاک را دید، نتواند مرا دستگیر کند؛ برای همین پلیس به سراغ فرد دیگری رفته بود. با این حال مأموران توانستند شماره پلاک واقعی را پیدا کنند و من از همین طریق دستگیر شدم.»

مکث

۴۳ باند سرقت در پایتخت متلاشی شد

[شهروند] چهل‌وسه باند در سی‌ودومین مرحله طرح رعد در پایتخت منهدم و ۶۴۹ سارق و مالخر دستگیر شدند. سردار حسین رحیمی روز چهارشنبه در حاشیه طرح رعد گفت: «این طرح برای پاکسازی حوزه استحفاظی هر کلانتری از مزاحمان، قاچاقچیان، مالخران و سارقان اجرا شد که ۳۵۹ حکم قضائی صادر شد و ۶۴۹ سارق و مالخر دستگیر شدند. ۹هزار و ۸۰۰ اموال سرقتی مردم به ارزش ۷ میلیارد تومان کشف شد. ۱۷۸ دستگاه خودرو و موتورسیکلت کشف و یک‌هزار و ۵۳ فقره پرونده دراین‌باره تشکیل شد. به گفته او، دوقبضه سلاح جنگی و یک‌هزار و ۱۰۰ قبضه سلاح سرد کشف شد.» او با اشاره به اینکه ۳۳۱ نفر سابقه‌دار بودند، گفت: «۳۱۸ نفر نخستین بار بود که سرقت می‌کردند. همچنین سارقان حرفه‌ای ۷۰ نفر و سارقان خرد ۵۷۱ نفر بودند. بالغ بر ۵۴ کیلو مواد مخدر ضبط و ۸۳ هزار مورد کالای قاچاق از ۳۵ نفر به ارزش هشت ونیم میلیارد تومان کشف شد.» رئیس پلیس تهران بزرگ با بیان اینکه در سه‌سال گذشته، سرقت‌های خشن و مسلحانه رخ نداده است گفت: «در این مدت سرقت مسلحانه در اماکن نداشتیم و در سه ماه پایان سال طرح‌های مختلف اجرا خواهد شد. از ابتدای امسال تاکنون ۱۵درصد کاهش سرقت و ۵درصد افزایش کشفیات صورت گرفته است.» رئیس پلیس تهران بزرگ افزود: «همچنین طرح کاهش تلفات رانندگی با موتورسیکلت از اسفندماه آغاز می‌شود و از راکبان موتورسیکلت می‌خواهیم در چارچوب قانون، انضباط را رعایت کنند. مردم از رفتار موتورسیکلت‌سواران ناراحت هستند و گله آنان در سامانه پلیس ثبت شده است.»

رهایی گروگان ۱۰ ساله پس از ۲ هفته اسارت

[شهروند] کودک ۱۰ ساله پس از دو هفته اسارت از چنگال آدم‌ربایان در زاهدان رهایی یافت. در پی اعلام گم‌شدن پسر بچه‌ای ۱۰ ساله در شهر زاهدان موضوع در دستور کار پلیس آگاهی استان قرار گرفت. این پسر بچه نهم دی‌ماه‌سال جاری برای خرید نان از خانه خارج شده بود و دیگر بازنگشت. تلاش ۲۴ ساعته خانواده او برای پیدا کردنش نتیجه‌ای نداشت که با حضور والدین کودک در پلیس آگاهی و تشکیل پرونده فقدانی بلافاصله تحقیقات پلیس آغاز شد. با تشکیل پرونده این پسر در پلیس آگاهی افرادی ناشناس با خانواده کودک تماس گرفتند و در قبال آزادی او مبلغ ۸میلیارد ریال درخواست کردند. با توجه به حساسیت موضوع و اهمیت حفظ جان کودک ربوده شده، تحقیقات گسترده‌ای را کارآگاهان پلیس آگاهی برای شناسایی آدم‌ربایان و رهایی او آغاز کردند که در پی تحقیقات میدانی پلیس مشخص شد کودک را سرنشینان یک دستگاه سواری پژو ربوده‌اند. سرانجام کارآگاهان زبده اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی با استفاده از سرنخ‌های به دست آمده و انجام یک‌سری تحقیقات گسترده میدانی آدم‌ربایان را شناسایی کردند. آدم‌ربایان که در پی اقدامات پلیس عرصه را برخود تنگ دیدند روز سه‌شنبه مجبور به آزادسازی این کودک در یکی از خیابان‌های سطح شهر زاهدان شدند. با توجه به سرنخ‌های به دست آمده تلاش برای دستگیری عاملان متواری این آدم‌ربایی ادامه دارد.

دستگیری کلاهبردار دنیای مجازی

[شهروند] متهمی با ساخت سایت جعلي درگاه بانکي در فضاي مجازي از کاربران اینترنتی کلاهبرداری می‌کرد. سوم مهر ماه امسال جواني بیست‌ویک‌ساله ساکن حوالی خیابان اندرزگو با در دست داشتن شکايتي از دادسراي مبارزه با جرایم رایانه‌اي «ناحیه۳۱ تهران» به پلیس فتا، اظهار داشت، مبلغ ۷۵ میلیون ریال از حساب بانکي‌ام به سرقت رفته است. متوجه نحوه دسترسي متهم به حساب بانکي‌ام نشدم چون کارت نزد خودم است و در اختیار هیچ کسي قرار نداده‌ام. با ارجاع شکایت به تیمی از کارآگاهان پلیس فتا مشخص شد متهم با طراحي سایت جعلي درگاه بانکي در خصوص فروش شارژ ایرانسل تبلیغ می‌کند و با کشاندن قربانیان به درگاه جعلی بانک، اطلاعات بانکی کاربران را به دست آورده است. همچنین در تحقیقات پلیسی مشخص شد متهم با سرقت مبالغ کاربران و خرید کالا از سایت‌هاي فروش اینترنتی، مبالغ سرقتی را از چرخه بانک خارج مي‌کرده است. رئیس پلیس فتای تهران با اعلام این خبر گفت: «متهم دستگیر شد و به جرم خود در تحقیقات پلیسی اعتراف کرد.»